



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

خصائص

امام حسين عليه السلام

نادر حسين عبداللهي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خصائص امام حسين عليه السلام

نویسنده:

نادر حسین عبداللہی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	خصائص امام حسين عليه السلام
۷	مشخصات كتاب
۷	مشخصات امام حسين عليه السلام
۷	ولادت امام حسين عليه السلام
۷	فرزندان امام حسين عليه السلام
۷	پسر رسول
۹	افتخار ملائكه
۹	صولت شكن يهود
۱۱	منابع جريان مباحله
۱۲	محب خدا و پيامبر
۱۳	گل بهشت
۱۴	روح عبادت
۱۵	آقای جوانان بهشت
۱۶	بر دوش رسول خدا
۱۶	زينت عرش
۱۷	زينت بهشت
۱۷	نور خدا
۱۷	محرومان از شفاعت
۱۸	نجات دهنده دوزخيان
۱۹	روح پيامبر
۱۹	آيينه تمام نماي پيامبر
۱۹	کلید بهشت
۲۰	امام حسين عليه السلام و حديث كساء

۲۰ پاکى امام حسين عليه السلام

۲۰ نام گذارى امام حسين عليه السلام

۲۴ امام حسين الكوى عمل

۲۵ شهادت سرور شهيدان

۲۸ درباره مركز

خصائص امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده: نادر حسین عبداللهی

ناشر: نادر حسین عبداللهی

مشخصات امام حسین علیه السلام

نام: حسین (ع) لقب: سیدالشهدا. کنیه: ابو عبدالله. نام پدر: علی (ع) نام مادر: فاطمه زهرا (س) تاریخ ولادت: سوم شعبان. مدت امامت: ۱۱ سال. مدت عمر: ۵۷ سال. تاریخ شهادت: دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری. قاتل: شمر لعین. محل دفن: کربلای معلّی. تعداد فرزندان: به روایتی چهار پسر و دو دختر.

ولادت امام حسین علیه السلام

حضرت امام حسین (ع) در سال چهارم هجری، در مدینه منوره، چشم به دنیا گشود و در سال پنجاه هجری، پس از شهادت برادر خود، به مقام امامت رسید و به ارشاد مسلمین پرداخت. معاویه در اواخر عمر خود، برای خلافت یزید، تلاش فراوان کرد تا از سیدالشهداء (ع) بیعت بگیرد اما با مخالفت شدید امام روبه رو گردید. یزید نیز پس از مرگ معاویه به فرمانداری در مدینه دستور داد تا از امام (ع) بیعت بگیرد یا ایشان را به قتل رسانده و سر او را برای وی ارسال دارند. وقتی که امام حسین (ع) اوضاع را آشفته دید، ناگزیر به همراه اهل بیت خود، مدینه را به قصد مکه ترک نمود. اما وجود مبارک امام (ع) در مکه نیز در معرض خطر جدی قرار داشت و این احتمال قوت داشت که حضرت را مخفیانه ترور نمایند، لذا امام (ع) برای حفظ حرمت خانه خدا به طرف عراق حرکت نمود که در بیابان کربلا همراه اهل بیت و اصحاب خود در محاصره لشکر عبیدالله بن زیاد قرار گرفتند و در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری، مظلومانه و به طرز فجیعی به شهادت رسیدند.

فرزندان امام حسین علیه السلام

فرزندان امام حسین شهید (ع) عبارتند از: علی اکبر (ع) که همراه پدرش در کربلا شهید شد. امام سجاد (ع)، محمد، عبدالله (علی اصغر) (ع) که در شش ماهگی در کربلا توسط حمله در آغوش پدر به شهادت رسید و جعفر. دختران آن حضرت، حضرت زینب صغری، فاطمه صغری و سکینه بودند.

پسر رسول

در احادیث متعدد از اهل تشیع و تسنن نقل شده است که رسول گرامی اسلام (ص) راجع به حسنین (ص) فرمود: «خداوند، فرزندان هر پیامبری را از صلب آن پیامبر قرار داده، اما نسل مرا از صلب علی بن ابی طالب (ع) قرار داده است در حالی که فرزندان هر مادری را به پدرشان نسبت می دهند، مگر فرزندان فاطمه زهرا (س) را که من پدر ایشانم». به همین جهت در جنگ صفین، هنگامی که امام حسن مجتبی و امام حسین (ص) برای جنگ با معاویه شتاب می نمودند، امیرالمؤمنین علی (ع)

فرزندان دخترم می باشند، بارالها! من این دو را دوست دارم، پس تو هم آنان را دوست بدار و آنان را که این دو را دوست دارند نیز، دوست بدار».

افتخار ملائکه

یکی از ویژگی های وجود امام حسن و امام حسین (ص) در جهان خلقت، این است که آنان محل نزول و فرود ملائکه هستند؛ چنانکه در روایتی آمده است: «إِنَّ مَلَكَ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى صِفَةِ الطَّيْرِ، فَقَعَدَ عَلَى يَدِ النَّبِيِّ (ص) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ بِالنَّبُوءِ، وَعَلَى يَدِ عَلِيِّ (ع) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ بِالْوَصِيَّةِ، وَعَلَى يَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِمَا بِالْخِلَافَةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِمَ لَمْ تَقْعُدْ عَلَى يَدِ فُلَانٍ؟ فَقَالَ: أَنَا لَا أَقْعُدُ فِي أَرْضِ عَصَى عَلَيْهَا اللَّهُ، فَكَيْفَ أَقْعُدُ عَلَى يَدِ عُصَةِ اللَّهِ؟» «بدرستی که فرشته ای از آسمان به صورت یک پرنده بر پیامبر فرود آمد و بر دست پیامبر نشست و به ایشان به عنوان نبوت سلام کرد، سپس بر روی دست علی (ع) نشست و بر وی به عنوان وصی پیامبر سلام کرد. سپس بر روی دست حسن و حسین (ص) نشست و بر ایشان به عنوان خلافت سلام کرد. پیامبر (ص) فرمود: چرا بر دست فلانی نشستی؟! گفت: من بر روی زمینی که در آن خداوند را نافرمانی کنند، نمی نشینم، پس چگونه ممکن است بر روی دستی که خداوند را معصیت کرده، بنشینم».

صولت شکن یهود

در جریان مباحثه، رهبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) مسیحیان نجران را برای پذیرش اسلام دعوت کرد؛ اما آنان حاضر شدند نخست با رسول خدا مذاکره کنند و از نزدیک با آن حضرت آشنا شوند؛ لذا جمعی از دانشمندان آنان که تقریباً هفتاد نفر بودند و برخی از ناظرین که جمعاً حدود سیصد نفر می شدند و در رأس این جماعت دو نفر به نامهای: «سید» و «عاقب» و طبق بیان بعضی از مفسرین «جاثلیق» و «علقمه» بودند، برای مذاکره حضور یافتند. نخست از پیامبر اسلام (ص) سؤال کردند: ای محمد!

هنوز فرزندی را دیده ای که بدون پدر متولد شود؟! و اگر ندیده ای چگونه ادعا داری که عیسی پسر مریم است ولی پدر ندارد؟! در این هنگام، خداوند متعال این آیات نورانی را برای حضرت نازل فرمود: (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَ كُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَ كُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ)؛ «بگو بیایید ما فرزندان مان و زنان مان و خودمان را و شما نیز فرزندان تان و زنان تان و خودتان را بخوانید، آنگاه با هم مباحثه نماییم و سپس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم». در پی نزول این آیات شریفه، رسول خدا (ص) به آنان پیشنهاد مباحثه داد. سید و عاقب که از علمای بزرگ مسیحی بودند، پیشنهاد را قبول کردند و ضمناً یک شب را مهلت خواستند تا برای مباحثه حاضر شوند. علمای مسیحی نزد اسقف رفته و گفتند: رهبر مسلمانان به ما چنین پیشنهادی کرده است. نظر شما چیست؟ اسقف که مردی هوشمند بود گفت: فردا ملاحظه کنید محمد با چه افرادی برای مباحثه می آید، اگر به همراه خانواده خود بیاید، با او مباحثه نخواهیم کرد، اما اگر با اصحاب و یاران خود، باشد، مباحثه ضرری ندارد. روز بعد، علمای نصاری و اسقف آنان، مشاهده کردند که رسول خدا (ص) با برخی از همراهانش به سوی محل مباحثه در حرکت است. اسقف، اطرافیان پیامبر را نمی شناخت. لذا پرسید: همراهیان پیامبر چه کسانی هستند؟ اطرافیان او گفتند: جوانی که پشت سر محمد است، علی پسر عم «اوست و آن دو کودک نیز نوه های او حسن و حسین و آن زن هم فاطمه زهرا دختر اوست. وقتی اسقف مشاهده کرد که پیامبر با نزدیکترین و عزیزترین کسانش به مباحثه آمده گفت: ای پیروان مسیح! به خدا سوگند من

در چهره آنان چنان آثار حقانیت و ایمانی را ملاحظه می‌کنم که اگر دعا کنند، کوهها از جا کنده خواهد شد، لذا به پیامبر (ص) عرضه داشت: ما حاضر به مباحله نیستیم و هرکس بر دین خود بماند! حضرت محمد (ص) آنها را دعوت به اسلام کرد ولی آنان اسلام را نپذیرفتند. حضرت فرمود: من شما را مجازات خواهم کرد. آنان گفتند: ما نیروی جنگ با اعراب را نداریم بلکه با شما بر این اساس صلح می‌کنیم که در هر سال برای شما دو هزار حُلّه بدهیم. رسول گرامی اسلام (ص) این پیشنهاد را پذیرفت و صلحنامه را نوشت و مهر و امضانمود.

منابع جریان مباحله

برخی از منابع مباحله عبارتند از: صحیح مسلم، طبع مصر، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ترمذی، طبع مدینه، ج ۴، ص ۲۹۳؛ تفسیر طبری؛ مسند حنبل، طبع بیروت، ج ۱، ص ۱۸۵؛ احکام القرآن، جصاص، طبع بیروت، ج ۳، ص ۱۴؛ مستدرک حاکم، طبع حیدرآباد دکن، ج ۳، ص ۱۵۰؛ معرفت علوم حدیث، حاکم نیشابوری، طبع مصر، ص ۵۰؛ دلائل النبوه، ابی نعیم، ص ۲۹۸؛ مصابیح السنه، بغوی، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۴؛ معالم التنزیل، بغوی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ اسباب النزول، واحدی، ص ۷۵؛ کشف زمخشری، طبع ایران، ج ۱، ص ۳۶۸؛ عمده ابن بطریق، طبع ایران، ص ۹۵؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، طبع مصر، ج ۸، ص ۸۵؛ جامع الاصول، ابن اثیر، طبع مصر، ج ۹، ص ۴۷۰؛ شفا تعریف حقوق المصطفی، قاضی عیاضی، طبع مصر، ج ۲، ص ۳۶؛ مناقب خوارزمی، چاپ نجف، ص ۹۶؛ تاریخ کامل، ابن اثیر، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ذخائر العقبی، محب الدین طبری، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ریاض النضره، محب الدین طبری، ج ۲، ص ۲۴۸؛ انوار التنزیل، بیضاوی، طبع ایران، ص ۴۷؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۵؛ کفایه الطالب، گنجی شافعی، طبع نجف، ص ۵۵؛ مطالب السؤل،

محمد بن طلحه شافعی؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی، چاپ ایران، ص ۸؛ تفسیر قرطبی، طبع مصر، ج ۴، ص ۱۰۴؛ تفسیر السنفی، ابوبرکات، طبع مصر، ج ۱، ص ۱۶۱؛ البدایه والنهایه، ابن کثیر، طبع بیروت، ج ۵، ص ۵۴؛ تفسیر ابن کثیر، طبع مصر، ج ۱، ص ۳۷۰؛ تفسیر بحرالمحیط، ابی حیان اندلسی، طبع مصر، ج ۲، ص ۴۸۰؛ نهر الماء من البحر المحیط، ابی حیان اندلسی، ج ۲، ص ۴۸۹؛ تفسیر الخازن، علاء الدین علی بن محمد، طبع مصر، ج ۱، ص ۳۰۳؛ مشکاه المصابیح، ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب عمری تبریزی، طبع دهلی، ص ۵۶۸؛ غریب القرآن نیشابوری، طبع ایران، ج ۱، ص ۳۲۹؛ الاصابه ابن حجر، طبع بغداد، ج ۲، ص ۵۰۹؛ تفسیر جلالین، ملاالدین محمد بن احمد شافعی، ص ۴۶؛ فصول المهمه ابن صباغ، طبع ایران، ص ۷؛ صواعق المحرقه ابن حجر، درالمنثور سیوطی، تفسیر ابوالمسعود در حاشیه تفسیرفخررازی، طبع مصر، ج ۳، ص ۱۴۳؛ سیره الحلویه علی بن برهان شافعی، طبع مصر، ج ۳، ص ۲۴۰؛ فتح القدر، شوکانی، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ینابیع الموده، شیخ سلیمان، طبع بمبئی، ص ۴۳؛ نورالابصار، شبلنجی، طبع مصر، ص ۱۲۲؛ تفسیر روح المعانی، آلوسی، طبع مصر، ج ۲، ص ۱۶۷؛ التاج، شیخ منصور علی ناصف، طبع دوم، ج ۳، ص ۲۹۶؛ سیره نبویه، سیداحمد زینی دحلان، در حاشیه سیره حلبیه، طبع مصر، ج ۳، ص ۲؛ تفسیر المنار، طبع مصر، ج ۳، ص ۳۲۲؛ تفسیر الواضح، محمد محمود حجازی، ج ۳؛ تفسیر المنار، ص ۳۲۲؛ جواهر طنطاوی، طبع مصر، ج ۲، ص ۱۲۰؛ حسن الاسوه، صدیق حسن خان، ص ۳۲؛ تبصیر الرحمن علی مهاییمی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ مبارق بمبئی، ص ۱۰۶؛ تفسیرالقرآن کاشفی، طبع بمبئی، ص ۹۲.

محب خدا و پیامبر

در کتب معتبر اهل تشیع و تسنن، روایات فراوانی وجود دارد که رسول خدا (ص) فرموده است: «مُحِبُّ امَامِ حَسَنِ وَ امَامِ حُسَیْنِ، مُحِبُّ مَنْ اسْتَوَى هَر کَسٍ کِه مُحِبُّ مَنْ بَاشَد، مُحِبُّ خَدَاوَنَد اسْت. دَشْمَنَانِ اَنَان، دَشْمَن مَن هَسْتَنَد، هَر کَس کِه دَشْمَن مَن بَاشَد، دَشْمَن خَدَاوَنَد اسْت.» در این رابطه به چند نمونه از روایات اشاره

می کنیم: ابوهریره گوید: «خرج علينا رسول الله (ص) و معه الحسن و الحسين... فقال: رجل يا رسول الله انك لتحبهما؟ قال رسول الله (ص) من احبهما فقد احبني و من ابغضهما فقد ابغضني». روزی پیامبر (ص) به همراه حسن و حسین از منزل بیرون آمد، مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا این دو را دوست می داری؟! پیامبر (ص) فرمود: هر کس این دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر کس این دو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است». سلمان فارسی گوید پیامبر (ص) فرمود: «الحسن والحسين، من احبهما احبته و من احبته احبه الله و من احبه الله، ادخله جنات نعيم و من ابغضته، ابغض الله و من ابغضه الله، ادخله جهنم و له عذاب مقيم». کسی که حسن و حسین را دوست بدارد، من او را دوست می دارم، و کسی را که من دوست داشته باشم، خداوند نیز او را دوست دارد، و هر کس را که خداوند دوست داشته باشد، او را وارد بهشت برین می کند و هر کسی را که من او را دشمن بدارم، خداوند او را دشمن خواهد داشت، و هر کسی که خداوند او را دشمن بدارد، او را داخل دوزخ می کند.»

گل بهشت

در این جهان، خداوند عالم، موجودات گوناگونی را آفریده است، یکی از آن موجودات، گل‌های معطر و زیباست که انسان به آنها علاقه فراوان دارد، لکن امام حسن و امام حسین (ص) گل‌هایی هستند که در سرتاسر عالم، جلوه کرده و نورهایی هستند که عالم دنیا و آخرت را نورافشانی نموده اند؛ چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّكُمْ مِنْ رِيحَانِ اللَّهِ... فَقَالَ قَوْمٌ: أَتُحِبُّهُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: مَا لِي أُحِبُّ رِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا»؛

پیامبر فرمود: امام حسن و امام حسین (ص) گلهای خداوند هستند. برخی، سؤال کردند ای رسول خدا! آیا این دو را دوست می داری؟! پیامبر (ص) فرمود: چرا دوست نداشته باشم، این دو گلهای من در دنیا می باشند». شریف رضی گوید: تشبّه بالزَّيْحَانِ لِأَنَّ الْوَلَمَدَ يَشْمُ «و يضم» كما يشمُّ الزَّيْحَانُ وَاصِلٌ «الزَّيْحَانُ مَأْخُوذٌ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي يَتَرَوَّحُ - إِلَيْهِ وَيَتَنَفَّسُ مِنَ الْكُرْبِ بِهِ».

روح عبادت

چنان که در این عالم، هر چیزی دارای روح و حیات و دارای رشد و کمال است، تمام عبادات بشر نیز دارای روح می باشد. در روایات متعدد روح عبادت، وجود نازنین امام حسن و امام حسین (ص) معرفی گردیده است، بنابراین همان طور که سایر اجسام عالم، اگر دارای روح حیاتبخش نباشند، یقیناً دارای رشد و کمال نخواهند بود، عبادات بشر نیز بدون معرفت امام حسن و امام حسین (ع) ارزشی نخواهد داشت، در این باره، چند نمونه از روایات را بیان می کنیم: انس بن مالک گوید: «کان رسول الله (ص) یسجُد، فیجیء العَسنُ و الحَسنِ فیرکب ظهره، فیطیل السُّجُود. فیقال له: یا نبی، اطلت السجود؟! فیقول رسول الله (ص): ارتحلنی ابنی فکَرهت أن اعجلهما؛ گاهی پیامبر در حال سجده بود که حسن و حسین (ص) می آمدند و بر دوش پیامبر سوار می شدند و پیامبر (ص) سجده را طولانی می نمود. به او گفته شد ای پیامبر خدا! سجده را طولانی نمودی؟ پیامبر فرمود: این دو فرزندم بر دوشم سوار بودند و کراهت داشتم که در پیاده کردن آنها شتاب کنم» نسائی از عبدالله بن شاذان از ابیه نقل می کند که گفت: «خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي أَحَدِي الصَّيْلَاتِي الْعِشَاءِ وَهُوَ حَامِلٌ حَسَيْنًا فَتَقَدَّمَ النَّبِيُّ (ص) فَوَضَعَهُ، ثُمَّ كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ، فَصَلَّى، فَسَجَدَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِهِ سَجْدَةً» فَأَطَالَهَا. قَالَ أَبِي: فَرَفَعَتْ رَأْسِي

فَإِذَا الصُّبْحُ عَلَى ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَهُوَ سَاجِدٌ! فَرَجَعْتُ إِلَى السُّجُودِ، فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّلَاةَ، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِنَّكَ سَيَجِدُكَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صِيْلَاتِكَ سَجْدَةً أَطَلَّتْهَا حَتَّى ظَنَنْتُ إِنَّهُ قَدْ حَدَّثَ - أَمْرٌ أَوْ أَنَّهُ يُوحَى إِلَيْكَ؟! قَالَ (ص): كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ، وَلَكِنْ إِذْ تَحَلَّنِي فَكَّرْتُ أَنْ أَعْجَلُهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ؛ «روزی، پیامبر اکرم (ص) در یکی از نمازهای عشا به همراه امام حسن (ع) به مسجد آمدند. حضرت به محراب رفتند و امام حسن را در کنار خود نهاد. سپس تکبیر گفت و به نماز ایستاد و هنگامی که در نماز به سجده رفتند و سجده را طولانی کردند؛ پدرم گفت: من سرم را از سجده برداشتم و دیدم پسری بر دوش پیامبر سوار شده است، در حالی که پیامبر در سجده است. من دوباره به سجده برگشتم. هنگامی که پیامبر نماز را تمام کرد؛ مردم گفتند: ای رسول خدا! در میان نماز، سجده را طولانی فرمودی تا اینکه گمان کردیم که امری حادث شده یا بر تو وحی نازل می شود! پیامبر (ص) فرمود: هیچ کدام از آنها رخ نداده؛ بلکه پسر من حسن بر دوشم سوار بود، لذا کراهت داشتم که در پایین آوردن او شتاب کنم».

آقای جوانان بهشت

در روایات فراوانی از منابع شیعه و اهل سنت رسیده است که امام حسن و حسین (ص)، آقای جوانان اهل بهشت هستند؛ چنانکه حدیثی از پیامبر اسلام (ص) چنین نقل می کند: «أَمَا رَأَيْتِ - الْعَارِضِ - الَّذِي عَرَضَ - لِي؟ قُلْتُ - بَلَى. قَالَ: ذَاكَ - مَلَكٌ، لَمْ يَهَبْ إِلَى الْأَرْضِ قَبْلَ - السَّاعَةِ، فَاسْتَأْذَنَ - اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَسْأَلَ - عَلَيَّ، وَيُبَشِّرَنِي أَنْ - الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ - سَيَدَا شَبَابِ - أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَأَنَّ - فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ - نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». «آیا ندیدی آنچه بر من عارض شد؟ گفتم: چرا؟»

پیامبر (ص) فرمود: این فرشته، تاکنون به زمین فرود نیامده است، اکنون از خداوند متعال اجازه خواسته که به من سلام کند و بشارت بدهد. به درستی که امام حسن و امام حسین (ص) آقایان جوانان بهشت هستند و مادرشان فاطمه، سیده زنان اهل بهشت است. ابو عبدالله امام صادق (ع) نیز فرمود: «هُمَا وَاللَّهِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ»؛ «امام حسن و امام حسین (ص) آقایان جوانان اولین و آخرین بهشت می باشند».

بر دوش رسول خدا

در روایات متعدد رسیده که امام حسن و حسین (ص) بر دوش پیامبر (ص) می نشستند. در این باره به چند روایت اکتفا می کنیم: ۱- سمعانی در فضائل، از اسلم غلام عمر، از عمر بن خطاب نقل می کند که: «رَأَيْتُ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَى عَاتِقِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ: نِعْمَ الْفَرَسُ لَكُمَا؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَنِعْمَ الْفَارِسَانِ هُمَا». عمر گفت: روزی دیدم حسن و حسین بر شانه پیامبر سوارند. گفتم: بهترین اسب را دارید! پیامبر خدا (ص) فرمود: اینها بهترین سوارانند. ۲- جابر بن عبدالله گوید: «دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَهُوَ حَامِلٌ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَى ظَهْرِهِ وَهُوَ يَمْشِي بِهِمَا. فَقُلْتُ: نِعْمَ الْجَمَلُ! وَنِعْمَ الْعَيْدَلُ أَنْتُمَا». بر پیامبر اسلام وارد شدم، در حالی که راه می رفت و حسن و حسین را بر دوش خود نهاده بود. به حسن و حسین گفتم: بهترین شتر، شتر شماست! ۳- در روایتی آمده است: «نِعْمَ الْمَرْكَبُ رَكْبَتُمَا يَا غَلَامَيْنِ؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَنِعْمَ الرَّكَابَانِ هُمَا...» بر بهترین مرکب، سوار شده اید ای دو پسر! پیامبر (ص) فرمود: این دو، بهترین سوارانند».

زینت عرش

در آیات و روایات متعدد، خداوند متعال، بزرگی و کرامت انسان را در تقوا و رعایت عدالت دانسته و جوامع بشری را به رعایت این دو دعوت می کند. امام حسن و حسین (ص)، به خاطر تقوا و پرهیزکاری که داشتند، زینت عرش الهی به شمار رفته اند؛ چنانکه در روایتی از رسول خدا (ص) چنین آمده است: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، زَيْنَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ بِكُلِّ زِينَةٍ، ثُمَّ يُؤْتَى مِنْ نُورٍ، طَوْلَهُمَا مِائَةٌ مِئَلٍ، فَيُوضَعُ أَحَدُهُمَا عَنِ الْيَمِينِ الْعَرْشِ وَالْآخَرُ عَنِ الْيَسَارِ الْعَرْشِ، ثُمَّ يُؤْتَى بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَبِزَيْنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمَا عَرْشُهُ، كَمَا تَزَيَّنَ الْمَرْأَةُ مَقْرَطِبَاهَا»؛ هنگامی که روز قیامت برپا و عرش

رحمان به تمام زینتها مزین شود، دو منبر از نور آورده می شود که طول آن دویست میل است؛ یکی را به سمت راست عرش و دیگری را بر سمت چپ عرش می گذارند، سپس حسن و حسین را می آورند تا خداوند عرش خود را به آنها مزین فرماید؛ مانند زن که او را گوشواره مزین کرده است».

زینت بهشت

در روایات متعددی وارد شده است که امام حسین (ع) زینت بهشت محسوب می شود، ما فقط به نقل یک روایت بسنده می کنیم: «وإن الجنة - قالت: يارب - أشبهتني الضعفاء والمساكين! فقال الله: ألا - تزويه - بين - أئني زينت - أركانك - بالحسن والحسين؟» «هنگامی که بهشت صدا می زند پروردگارا! ساکنان من همه فقیران و بیچارگانند! خطاب می رسد آیا با اینکه حسن و حسین (ص) ساکنان تواند؛ هنوز راضی نیستی؟!».

نور خدا

وجود تمام معصومین: نور خداوند هستند، مخصوصاً وجود با برکت امام حسن و امام حسین (ص). اگر کسی به سوی نور، حرکت کند، باید دارای عدالت، تقوا و رهایی از هواهای نفسانی باشد؛ زیرا با گناه و معصیت که ظلمت و تاریکی است رسیدن به نور امکان ندارد. لذا در آیات و روایات متعدد آمده است که نور امامان سبب هدایت است: از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «لَمَّا خَلَقَ اللهُ الْجَنَّةَ، خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ وَجْهه، ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَعَدَفَهُ، فَأَصَابَنِي ثُلُثُ النُّورِ، وَأَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ، وَأَصَابَ عَلِيًّا وَأَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ، فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وِلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَمَنْ لَمْ يُصِبْهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وِلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ». «هنگامی که خداوند، بهشت را از نور خود آفرید، سپس آن نور را پراکنده کرد، به من و فاطمه یک سوم از آن نور رسید و به علی و اهل بیتش یک سوم از آن نور رسید. پس به هرکسی که از آن نور برسد، به ولایت آل محمد (ص) هدایت پیدا می کند و به کسی که از آن نور نرسد، به ولایت آل محمد، گمراه می شود».

محرومان از شفاعت

در احادیث متعدد وارد شده که در روز قیامت وقتی که مردم وارد محشر می گردند، گروهی، از شفاعت معصومین: و پیامبر اکرم (ص) محرومند، بر طبق روایات فراوان، علت محرومیت آنها عدم توجه به امام حسن و امام حسین (ص) است، چنانکه امام صادق (ع) فرمود: «قال رسول الله (ص): من أَبْغَضَ - الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ - (ع) جَاءَ يَوْمَ - الْقِيَامَةِ - وَلَيْسَ - عَلَيَّ وَجْهه لَحْمٌ وَ لَمْ - تَنَالَهُ شَفَاعَتِي». «پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که با حسن و حسین دشمنی کند، در روز قیامت درحالی می آید که در صورت او گوشت وجود ندارد و هرگز شفاعت

نجات دهنده دوزخیان

کسانی که امام حسن و امام حسین (ص) را بشناسند، گناهانشان آمرزیده می شود و در روز قیامت، به زیارت آنان مفتخر می گردند و از آتش جهنم رهایی پیدا می کنند؛ چنانکه ابوذر غفاری گوید: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقْبَلُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ هُوَ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ وَ ذَرَّيْتَهُمَا مَخْلَصًا لَمْ تَلْفَحِ النَّارَ وَ جِهَهُ، وَ لَوْ كَانَ ذَنْبُهُ بَعْدَ رَمْلِ عَالِجٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ذَنْبًا يُخْرِجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ» (دیدم پیامبر (ص) روزی حسین بن علی بن ابی طالب را می بوسید و می فرمود: کسی که حسن و حسین و فرزندان این دو را از روی اخلاص، دوست بدارد؛ آتش جهنم صورت های آنها را نمی سوزاند؛ گرچه گناهان آنان به عدد ریگ های زیر دریا باشد؛ مگر اینکه آن گناه، گناهی باشد که آنان را از دین خارج کند». علی (ع) فرمود: «زارنا رسول الله (ص) و بات - عندنا و الحسن و الحسين نائمان، فاستقى الحسن، فقام رسول الله إلى قربه لنا... فاهوى بيده إلى الحسين و بدء بالحسن فقالت فاطمه: يا رسول الله! أحبُّهما إليك؟ قال: لا، ولكنَّه استقى أول مره، ثم قال رسول الله (ص) أنا و إيتاك و هذين وهذا الزاقد يعنى علياً يوم القيامة فى مكان واحد». «روزی، پیامبر (ص) به دیدن ما آمد و شب را آن جا بیتوته کرد و حسن و حسین خواب بودند. هنگام شب، حسن بیدار شد و آب خواست. پیامبر (ص) برخاست و از مشک آب آورد. حسین نیز بیدار شد. پیامبر (ص) نخست آب را به حسن داد. فاطمه (س) فرمود: مثل این که حسن نزد تو محبوب تر است. پیامبر (ص) فرمود: نخیر! بلکه اول حسن آب خواسته بود. سپس پیامبر فرمود: من و تو و این دو حسن و حسین

و این که خوابیده علی روز قیامت در یک جا هستیم».

روح پیامبر

رسول گرامی اسلام (ص) موارد متعدد، درباره فضیلت حسنین (ص) احادیث فراوانی را بیان کرده اند، از جمله فرمود: «حسین منی و انا من حسین، أحب الله من أحب حسیناً» «حسین از من و من نیز از او هستم، کسی که حسین را دوست بدارد، خداوند نیز او را دوست دارد». همچنین رسول خدا (ص) به حسین (ع) فرمود: «هذا منی و أنا منه، وهو یحرم علیه ما یحرم علی». «این (حسین) از من است و من از او و هر آنچه بر او حرام است بر من (نیز) حرام است».

آئینه تمام نمای پیامبر

تمام شخصیت رهبر و پیشوای عالم بشریت، حضرت محمد مصطفی (ص) در وجود نازنین حسنین (ص) متجلی بود؛ چنانکه در این مورد، احادیث فراوانی وجود دارد، به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم: علی (ع) فرمود: «الحسن أشبه برسول الله (ص) ما بین الصدر إلى الرأس، والحسین أشبهه بالنبی (ص) ما كان أشفل من ذلك». علی (ع) فرمود: حسن، شبیه رسول خدا (ص) از سینه به بالاست، و حسین شبیه رسول خداست از سینه به پایین». همچنین فرمود: «من أراد أن ینظر إلى وجه رسول الله (ص) من رأسه إلى عنقه، فلینظر إلى الحسن، ومن أراد أن ینظر إلى ما لمدن عنقه إلى رجله، فلینظر إلى الحسین، إقتسماه». «هرکس می خواهد از سر تا گردن به رسول خدا (ص) بنگرد، پس به حسن بنگرد و هرکس می خواهد از گردن به پایین به رسول خدا (ص) بنگرد، به حسین بنگرد. این دو شباهت پیامبر را در میان خود تقسیم کرده اند».

کلید بهشت

حقیقت عالم هستی، عالم اسباب و مسببات است. چنانکه در دنیا، هر انسانی برای رسیدن به اهدافش، اسباب و وسایلی را فراهم می کند. در روز قیامت نیز انسان احتیاج به اسباب دارد. اینک سؤال این است که اسباب آبرومندی برای بشر در روز قیامت نزد خداوند چیست؟ فرزندان، مال و ثروت و یا چیزی غیر از اینهاست؟ در احادیث فراوانی اسباب آبرومندی در روز قیامت، امام حسن و امام حسین (ص) معرفی گردیده اند: چنانکه علی بن ابی طالب (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: «فی الجنة درجه» تُدعى الوسيلة، فإذا سألتُموا الله فسألوا إلى الوسيلة، قالوا: یا رسول الله! من یسکن معک فیها؟ قال (ص): علی و فاطمه والحسن و الحسین» «در بهشت درجه ای است که به آن وسیله گفته می شود، هنگامی که

از خداوند سؤال گردید از آن وسیله سؤال کنید، گفتند: ای رسول خدا! در آن درجه، چه کسانی با تو هستند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین».

امام حسین علیه السلام و حدیث کساء

در روایات متواتری وارد شده است که همه پلیدی‌ها از وجود معصومین (ع) برداشته شده است، اینک به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: عمر بن ابی سلمه پسر خوانده پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: «نزلت هذه الایه علی النبی (ص) (إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَيَطَهَّرَ كَمَا تَطَهَّرُوا) فِي بَيْتِ أُمِّ سَلْمَةَ، فَدَعَا النَّبِيَّ (ص) فَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَحَلَلَهُمْ بِكَسَاءٍ وَعَلَى خَلْفِ ظَهْرِهِ فَحَلَلَهُ بِكَسَاءٍ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَادْخُلْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطَهِّيراً قَالَتْ أُمُّ سَلْمَةَ: وَأَنَا مَعَهُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْتِ عَلَى مَكَانِكَ وَأَنْتِ إِلَى خَيْرٍ». هنگامی که آیه: «همانا خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد»، بر پیامبر (ص) در خانه ام سلمه نازل گردید، پیامبر، حضرت فاطمه، حسن و حسین را صدا زد، پس ایشان را به کساء پوشاند و علی پشت سر پیامبر قرار داشت او را نیز پوشاند؛ سپس فرمود: بارالها! اینان اهل بیت من هستند، پس دور کن از ایشان پلیدی را و ایشان را کاملاً پاک گردان. ام سلمه گفت: من نیز با شما هستم ای رسول خدا! پیامبر (ص) فرمود: تو در جای خود باش که عاقبت تو به خیر است».

پاکی امام حسین علیه السلام

ام سلمه گوید که رسول خدا (ص) فرمود: «إِلَّا إِنْ مَسَّجِدِي حَرَامٌ عَلَى كُلِّ حَائِضٍ مِنَ النِّسَاءِ وَكُلِّ جَنْبٍ مِنَ الرِّجَالِ إِلَّا عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ». آگاه باشید! به درستی که مسجد من بر هر زن حائض و بر هر جنب از مردها حرام است؛ مگر اهل بیت من، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع).

نام گذاری امام حسین علیه السلام

مورخان شیعه و سنی در کتب روایی، تاریخی و تفاسیر خود در مورد نام گذاری حسنین (ص) بیانات فراوانی دارند که ما تنها به ذکر یک نمونه از آنها اکتفا می‌کنیم: «الحسن بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف القرشی الهاشمی ابومحمد سبط النبی (ص) و امه فاطمه بنت رسول الله (ص) سیده نساء العالمین و هو سید شباب اهل الجنه و ریحانه النبی (ص) و شبیهه سماه النبی (ص) الخ وهو رابع اهل الكساء». «حسن فرزند علی بن ابی طالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم فرزند عبدمناف قریشی هاشمی، ابومحمد سبط رسول خدا (ص)، مادرش فاطمه دختر رسول خدا (ص) سیده زنان دو جهان و سرور جوانان اهل بهشت و گل‌های پیامبر و شبیه پیامبر است که پیامبر او را ریحانه نام نهاده است و ایشان چهارمین اهل کساء می‌باشد». ابواحمد عسکری گوید: «سماه النبی (ص) و کناه ابا محمد ولم یکن یعرف هذا الاسم فی الجاهلیه». «پیامبر نام او را حسن نهاد و شهرت او را ابومحمد و این اسم در جاهلیت معروف نبود». مفضل گوید: «إِنَّ اللَّهَ حَجَبَ اسْمَ الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ حَتَّى سَمَّى بِهِمَا النَّبِيُّ (ص) ابْنِیهُ الحَسَنَ الحُسَيْنِ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: فَاللَّذِينَ بِالْيَمَنِ قَالَ: ذَاكَ حَسَنٌ سَاكِنٌ سَيْنَ وَحُسَيْنٌ بَفَتْحِ الحَاءِ وَكَسْرِ السِّينِ وَلَا یَعْرِفُ قَبْلَهَا إِلَّا اسْمُ رَمْلَةٍ فِی بِلَادِ ضَبَّهَ وَ...». «به

درستی که خداوند اسم حسن و حسین را مخفی نمود تا اینکه پیامبر آن دو را به این اسم نام نهاد. به او گفتیم: آن دو که در یمن هستند چه؟ گفت: آن حسن با سکون حرف سین و حسین با فتح حاء و کسر سین می باشد و هرگز این اسم قبل از این شناخته نشده بود مگر نام رمله در بلاد ضبه و...». پیامبر (ص) فرمود: «حسن سبط من الاسباط». قال الراوی: «وکان حلیماً کریماً ورعاً دعاه ورعه و فضله إلی أن ترک الملک الدنیارغبه فیما عند الله تعالی و... وای شرف أعظم منشرف من سماه رسول الله (ص)». «حسن، سبطی از اسباط است». راوی می گوید: «امام حسن، بردبار، بخشنده و باتقوا بودند که تقوا او را دعوت به ترک خلافت دنیا نمود و متمایل بود به آنچه نزد خداوند هست و... و چه شرفی بزرگتر از شراف کسی است که او را رسول خدا (ص) نام نهاده است». ابوبکر بن درید گوید: «قام الحسن بعد موت أیه أميرالمؤمنین فقال: بعد رحمه الله عزوجل - أنا والله ما ثنانی عن أهل الشام شک ولا ندم وإنما کنا نقاتل أهل الشام بالسلامه و الصبر و...». «امام حسن بعد از رحلت امیرمؤمنان به منبر رفت و بعد از فرستادن درود و رحمت خداوندی بر پدرش فرمود: من به خدا قسم از جنگ با شامیان روی نگردانم و نه در جنگ با آنها شک دارم و پشیمان هستم، ما با شامیان می جنگیدیم در مقابل سلامت و بردباری». احادیثی که در مورد فضیلت اهل بیت: در کتب معتبر اهل تسنن وارد گردیده، قابل احصا نیست و لذا تنها به ذکر برخی از منابع و مؤلفین اکتفا می کنیم: علامه دولابی، در الکنی و الاسماء،

ج ۲، ص ۱۲۱، طبع حیدرآباد دکن، حافظ احمد بن حنبل در مناقب، ص ۱۲۲؛ طبرانی در معجم الکبیر، ص ۱۳۴ خطی؛ ابن حجر عسقلانی در الاصابه، ج ۱، ص ۳۲۵، طبع مصر؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۵، ص ۹۶، طبع میامیه مصر؛ مجمع الزوائد، ابی بکر هیشمی، ج ۹، ص ۱۶۶، مکتبه قدسی، قاهره؛ ینابیع الموده، شیخ سلیمان بلخی، ص ۲۲۸، طبع اسلامبول و ص ۱۶۷؛ تاریخ ابن عساکر؛ محب الدین طبری در ذخایر العقبی، ص ۲۱، طبع قاهره؛ حافظ نهبانی در شرف النبی، ص ۲۲۵. مفتاح نجات، ص ۱۴؛ کنوز الحقایق مناوی، ص ۲۶، طبع بولاق مصر؛ ینابیع الموده، ص ۱۷۹، طبع اسلامبول؛ عبدالله حنفی در ارجح المطالب، ص ۳۲۳، طبع لاهور؛ ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۴۳، طبع حیدرآباد دکن و ج ۴، ص ۳۵۴؛ میزان الاعتدال ذهبی، ج ۲، ص ۲۸۱، طبع قاهره. کفایه المطالب، ص ۹۸، طبع الغری؛ ارجح المطالب، ص ۴۵۸، طبع لاهور؛ کفایه المطالب، ص ۱۷۸؛ جمال الدین ابن حنویه در بحر المناقب، ص ۷۸ خطی؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۲، طبع قاهره؛ حدیث ۳، ینابیع الموده، ص ۲۵۶ اسلامبول؛ مستدرک حاکم، نیشابوری، ج ۳، ص ۱۶۰، طبع حیدرآباد دکن؛ کفایه الطالب، ص ۲۷۸؛ تلخیص مستدرک، ذهبی، ج ۳، ص ۱۶۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۳۴، طبع قاهره؛ الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۵۰۷، طبع مصر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ مفاتیح نجا، ص ۱۵، خطی، ص ۱۶ و ۱۱۳؛ الکنی و الاسماء، ج ۲، ص ۱۶۰، طبع حیدرآباد دکن؛ بحر المناقب، احمد حنفی موصلی، ص ۱۱۶، خطی و ص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ ذهبی در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۸۳، طبع قاهره، ج ۱، ص ۴۶۳، ص ۸۲ و ۲۲۰، ص ۳۲، مناقب خوارزمی، ص ۹۰، طبع تبریز، ص ۸۲

و ۲۴۰؛ ینابیع الموده، ص ۲۴۵، طبع اسلامبول، ص ۱۳۱، ۲۶۱، ۲۳۰، ۱۹۴، ۳۵، ۱۷۲، ۱۶۴، ۱۹۴، ۲۱۳، ۲۶۰، ۲۲۷، ۸۹، ۲۵۹، ۲۴۷، ۲۳۶، ۲۴۴، ۳۱۲ و ۳۳۲، صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۶، طبع صاوی مصر؛ نزهة المجالس، صفوری، ج ۲، ص ۲۲۲، طبع قاهره، ص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ فضایل صحابه، ج ۲، ص ۲۶۰، خطی و ۲۵۸ ابن حجز هیشمی در صواعق المحرقة، ص ۲۳۰، طبع عبداللطیف، مصر، ص ۱۵۸؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۹۴، طبع حیدرآباد، ج ۳، ص ۲۷۵؛ عبدالله شافعی در مناقب، ص ۲۰۹ خطی، ارجح المطالب تسری، ص ۳۱۲، طبع لاهور، ص ۵۱۲، ۳۰۹، ۳۱۱، ۴۶۱، ۳۳۱ و ۵۳۰، ریاض نظری محب‌الدین طبری، ج ۲، ص ۱۸۹، طبع مصر، ص ۲۱۴، ۳۱۱، ۳۳۳ و ۲۰۹؛ أسد الغابه، ابن کثیر، ج ۲۶۹۵، خطی و ۵۲۳؛ موفق ابن احمد در مقتل الحسين، ص ۶۶، طبع الغری، ص ۹۹، صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۸، طبع صادی مصر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۶، طبع قاهره، ص ۱۶۹، ۱۸۴، ۱۸۲، ۱۷۴، ۱۶۹ و ۱۳۱، تذکره، ابن جوزی، ص ۲۴۴، طبع الغری حافظ احمد حنبل در مسند، ج ۱، ص ۴۴۲، طبع میامیه مصر، ص ۷۷. القول فصل حداد علوی حضرمی، ص ۲۹، طبع جاواج ۲، ص ۳۵ و ۳۰، مستدرک حاکم، نیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۹، طبع حیدرآباد دکن، ص ۱۳۷۰، ۱۵۱؛ ذخایر العقبی، ص ۲۵، ۲۳، ۹۱، ۱۳۰، ۱۲۳؛ معجم الکبیر، ص ۱۳۰، طبع جامعه الطهران، طبع خطی، ص ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۰۳، ۵۲؛ معجم صغیر، ص ۱۵۸، طبع دهلی، ص ۱۹۹؛ بدایه و نهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۸، ص ۲۰۵، ۳۶، ۲۰۷؛ جامع الاصول، ج ۱، ص ۱۰۲، طبع محمدیه مصر؛ شفاء قاضی، عیاض، ج

۲، ص ۴۲، ۱۶؛ تاریخ ذهبی، ج ۳، ص ۸، طبع مصر، ص ۵، ج ۲، ص ۶۰؛ مقتل الحسین، ص ۹۹، طبع الغری، ص ۶۱، ۱۱۱، ۱۰۳، ۹۵، ۶۶، ۵۹، ۶۶، ۵۹، ۱۴۵، ۱۰۷، ۷۵، ۱۰۸؛ تاریخ بغدادی، ج ۷، ص ۱۳۶، طبع مصر، ج ۱۳، ص ۲۸۷؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۲۳، طبع مصر، ج ۴، ص ۲۹، ۱۰۹، ۹۴؛ کنزالعَمَیَال، ج ۵، ص ۹۲، طبع میسامیه مصر و ص ۱۰۶، ۹۴، ۱۲۷، ۹۶؛ اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم، ج ۱، ص ۹۱؛ سیر اعلام نبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۹۱، ج ۳، ص ۱۷۱، طبع مصر؛ تاریخ اسلام، ذهبی، ج ۲، ص ۹۱، طبع دارالمعارف مصر، ج ۳، ص ۶؛ کفایه الطالب، ص ۱۹۸ و ۱۸۴؛ سنن الهدی، احمد حنفی قدوسی، ص ۵۶۵، خطی؛ طبقات معتزله، ص ۸۲، طبع بیروت، نظم دررالسمطین، زرنندی، ص ۲۳۲، طبع قضااص، ص ۲۱۰، ۲۱۳؛ فصل الخطاب، بخاری، ص ۳۷۰، طبع اسلامبول؛ طبع ینابیع الموده؛ محاضرات الادباء، ج ۴، ص ۴۷۹، طبع بیروت؛ شکوه المصاییح، خطیب تبریزی، ج ۳، ص ۲۵۸، طبع دمشق؛ علم الکتاب، سید خواجه میر، ص ۲۵۴، طبع دهلی؛ فرایدالسمطین، حموینی، خطی؛ ذخایر الموارث عبدالغنی نابلوسی، ج ۱، ص ۲۱۳، طبع قاهره، ج ۳، ص ۱۴؛ تهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲۹۷، ج ۱۰، ص ۴۳۰، طبع حیدرآباد الجمع بین صحاح، خطی ابوالحسن زرین عبدری؛ انوار محمدیه، ص ۴۳۷، طبع ادبیه بیروت، مؤلف شبهانی، ص ۶۲۹.

امام حسین الگوی عمل

در امر به معروف و نهی از منکر، باید روش عقلانی به کار گرفته شود، نه افراط و تفریط؛ زیرا افراط و تفریط روش ظالمان و جاهلان است که باعث سلب اعتبار می گردد. انسان های جاهل به روش عقلانی هدایت می گردند و لذا در تمام روش های عقلانی

و حکیمانه از جمله در امر به معروف و نهی از منکر، باید الگوی ما، اهل بیت عصمت و طهارت از جمله امام حسن و حسین (ص) باشد چنان که در روایات متعددی به این معنا اشاره شده. علامه مجلسی «ره» در بحارالانوار چنین نقل می کند: «آن الحسن والحسین (ص) مرّا علی شیخ یتوضّأ ولا یحسّن، فأخذنا فی التنازع یقول کل واحد منهما: أنت لا تحسن الوضوء فقالا: أیها الشیخ کن حکماً بیننا یتوضّأ کل واحد منا فتوضّأ قالا: أینا یحسن؟ قال: کلاکما تحسنان الوضوء ولكن هذا الشیخ الجاهل هو الذی لم یکن یحسن! وقد تعلّم الان منکما وتاب علی یدکما بیرکتکما و شفقتکما علی أمّه جدکما». «روزی امام حسن و امام حسین (ص) از جایی عبور می کردند، مشاهده فرمودند که پیرمردی در حال وضو گرفتن، اشتباه وضو می گیرد، در این حال، امام حسن و امام حسین (ص) هریک فرمودند: وضوی من بهتر است! در این صورت نزد پیرمرد آمدند و فرمودند: ای پیرمرد! ما دو نفر وضو می گیریم و شما تماشا کنید و بعد قضاوت کرده و بگویید آیا وضوی کدام یکی از ما بهتر است! بعد از آن، هر دو برادر وضو گرفتند و هنگامی که وضو گرفتن پایان یافت، سؤال کردند وضوی کدام یک از ما بهتر است؟! پیرمرد جاهل وقتی که جریان را مشاهده کرد؛ فرمود: وضو گرفتن هردوی شما نیکوست، این وضوی من است که درست نبوده، لکن فعلاً با برکت لطف و مهربانی شما که بر امت جدتان دارید، وارد شدم».

شهادت سرور شهیدان

یکی از مصیبت های جانسوزی که به دست عده ای از ستمگران و ظالمان، بعد از رحلت رسول خدا (ص) بر اهل بیتش: وارد گردید، شهادت مظلومانه امام حسین (ع) با اهل بیتش، در سرزمین کربلا بود. سلمی گوید: «دخلت علی أم سلمه وهی تبکی

فقلت ما يُبكيك؟ قالت: رأيت رسول الله (ص) تعنى فى المنام وعلى رأسه وِلْحِيتهِ التراب؛ فقلت: ما لك يا رسول الله؟ قال (ص): شهدت قتله الحسين آنفاً». «منزل ام سلمه رفتم که در حال گریه بود، گفتم: چرا گریه می کنی؟ در جوابم فرمود: رسول خدا (ص) را در خواب دیدم که با محاسن خاک آلود بود، سؤال کردم ای رسول خدا چرا محاسن شما خاک آلود است؟ فرمود: «الان شاهد کشته شدن حسین بودم». هم چنین از ام سلمه نقل شده است که گفته: «كان النبي (ص) جالساً ذات يوم فى بيتى فقال: لا يدخلن عليّ أحد، فانتظرت فدخل الحسين فسمعت نسيج (صوت معه توجع و بكاء كما یرد الصبي بكاءه فى صدره) النبي يبكي اطلعت فإذا الحسين فى حجره أو إلى جنبه يمسح رأسه وهو يبكي، فقلت والله! ما علمت به حتى دخل فقال النبي (ص): إن جبرائيل كان معنا فى البيت فقال: أتُحِبُّه؟ فقلت: أمّا من أحب الدنيا فَنَعِم. فقال: «إن أمتك ستقتل هذا بأرض يقال له كربلا، فتناول جبرائيل من ترابها فأراه النبي، فلمّا أُحيط بالحسين حين قُتل قال: ما اسم هذه الارض؟ قالوا: أرض كربلا. قال (ع) صدق رسول الله (ص) أرض كرب و بلا.» «روزی رسول خدا (ص) در خانه نشسته بود که فرمود: کسی نزد من نیاید! ام سلمه گفت: من در حال انتظار بودم که امام حسین (ع) نزد رسول خدا آمد، سپس شنیدم که پیامبر مانند بچه ای که گریه را در گلوی خود می پیچد، گریه می کند. آگاه شدم که پیامبر حسین را در دامان یا پهلوی خود نهاده و دست بر سر و صورت او می کشد و گریه می کند. سؤال کردم: به خدا قسم من از روزی که نزد شما آمده ام چنین حالتی را

ندیدم. رسول خدا (ص) فرمود: به درستی که جبرئیل در خانه نشسته بود و فرمود: ای رسول خدا! حسین را دوست داری؟
گفتم: بلی. جبرئیل فرمود: به درستی که بعد از تو به زودی امت او را در سرزمینی به شهادت می رسانند که کربلا نام دارد.
سپس جبرئیل مقداری خاک برداشت و به پیامبر نشان داد. هنگامی که دشمن، امام حسین (ع) را احاطه کرده بود، امام سؤال
کرد که این سرزمین چه نام دارد؟! اصحاب فرمودند: کربلا. امام حسین (ع) فرمود: جدم رسول خدا راست فرموده بود. این
زمین، پر مشقّت و پر بلاست.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

